

# بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع کتاب: مطالب طنزپز

کردآورنده: مهرداد علیخانی

پست الکترونیکی: Fireboy\_m\_a@yahoo.com

استفاده با ذکر صلوات مجاز میباشد.

برای خواندن مطالب دیگر بر روی آدرس زیر کلیک کنید.

<http://1fireboy.persianblog.ir/>



شب رفتیم استخر، می خواستیم کفشارو تحویل بدیم کلید بگیریم، طرف می گه شما هم کفش  
دارین؟؟

پَ نَ پَ طرح حرم تا حرم بوده پابرهنه اومدیم ثواب ببریم

شمع های ماشینم سوخته,رفتم تعمیرگاه...میپرسه عوضشون کنم؟؟  
پَ نَ پَ فوتشون کن تا صد سال زنده باشی

به دوستم میگم خودکارو بده میگه چیزی میخوای بنویسی؟  
پَ نَ پَ یه زیر شلواری براش گرفتم میخوام ببینم اندازشه یا نه

مگس نشسته رو برنج به خواهرم میگم: مگــــــــــــس، میگه بکشمش؟؟  
پَ نَ پَ زشته برنج خالی بخوره یکم خورشت بریز واسش

پشه نشسته رو پام داره خونمو می خوره , دستم رو بردم بالا بزمنش یهو داداشم میگه |||| می  
خوای بکشیش؟ !

پَ نَ پَ خونش رو خورده می خوام بزمن پشتش آروغ بزنه ببرم بخوابونمش!!

ماشین رو پارک کردم شمارمو گذاشتم زیر برف پاک کن! زنگ زده میگه پراید مال شماست؟  
میگم پَ نَ پَ بی ام و بقلی مال منه! شماره مو گذاشتم رو پرایده ربا نشه

اسپری سوسک کش زدم به سوسکه، سوسکه افتاده به پشت دست و پا میزنه...هم خونه ایم  
اومده میگه داره جون میده..  
پَ نَ پَ قیافه تورو دیده از خنده ریسه رفته

سر جلسه امتحان به دختره میگم سواله ۸ چی میشه؟میگه قلب میخوای؟  
میگم پَ نَ پَ میخوام ببینم سطح علمیت درچه حد با خانواده بیایمخواستگاریت

به بقاله می گم هزاری بهتر از این نداری؟ میگه پاره س؟  
پَ نَ پَ، امام توش خوب نیفتاده!

از ساق پا تا محدوده ۱۸ قدمو گچ گرفتم، دوستم اومد خونمون عیادت، میپرسه شکسته؟  
میگم پَ نَ پَ رفیقم اورتوپده، یه تعارف زد منم تو رودرواسی موندم

یه جوش اندازه گلابی رو دماغم زده ، دوستم دیده میگه جوشه ؟  
پَ نَ پَ قسمتهای مهم صورتمو علامت زدم ،تو امتحان میاد).

جارو دستم بود داشتم میرفتم اتاقمو جارو بزنم... عمه ام دید گفت داری میری جارو بزنی؟  
پَ نَ پَ زنگ زدم بچه ها بیان قسمت ده هری پاتر رو بسازیم!

رفتم حموم داد زدم میگم این آب چرا ســـــرده؟!!!!بابام میگه داری دوش میگیری؟  
میگم پَ نَ پَ دارم تمرین های دوره غواصی رو تو تشت دوره میکنم!

میگم مکانیک سیالات ۹ شدم...میگه :یعنی افتادی؟؟؟  
میگم پَـ نَ پَـ استاد گفت دست و بالم تنگه ۹ ا بگیر حالا بقیه شم سر ماه میدم!!

میگم دوست پسرم همش شک داره میخوام ازش جدا شم میپرسه به تو؟  
پَـ نَ پَـ به نتیجه ی انتخابات ریاست جمهوری ۲ سال پیش

روز ظهر عاشورا قابلمه به دست افتادیم تو خیابون ،دوستم ما رو میبینم می گه:دارین میرین  
نذری بگیرین؟  
میگم پَـ نَ پَـ پسرخاله ام کنسرت هوی متالداره من امشب تو گروهش نوازنده ی قابلمه ام

گزارش گر صدا و سیما در حال تهیه گزارش از وضعیت کار و اشتغال جوانان ...  
سلام شما از وضعیت کاری جوانان راضی هستین؟؟  
بله ...

-خودتون کجا کار می‌کنید؟؟  
...-تو گاوداری !!!..  
-کارگر هستین؟؟؟  
-پَـ نَ پَـ...گاویم...لباس کارگر پوشیدیم میخوایم از بیمه بیکاری استفاده کنیم

خریزه خریدم اومدم خونه،خواهرم میگه خریزه است؟  
میگم پَـ نَ پَـ هندونه است داره مسخره بازی در میاره

تو بیابون داد زدم خدا، صدامو میشنوی؟  
یه نور از آسمون اومد پایین گفت: پَـ نَ پَـ نشستم با ابی چای مینوشم.

طرف زنگ زده می‌گه کجایی؟ می‌گم تو چمران گیر کردم. می‌گه بزرگراه چمران؟  
پَـ نَ پَـ خونه آقا مصطفی شام دعوتیم گیر دادن نمیزارن بیایم

بابابزرگم ۹۸ سالشه ، می گه : وصیت ناممو بنویسم ؟  
پَـ نَ پَـ بشین یه چشم انداز ۲۰ ساله‌ی جامع بنویس برا آیندت ، قدر جوونیت بدون

تو اتاق عمل نوزاد تازه به دنیا اومده به دستیار می‌گم چاقو رو بده می‌گه میخوای بند نافو ببری؟ پَـ  
نَ پَـ میخوام رقص چاقو کنم از مامان بچه شاباش بگیرم!!

با دوستم رفتیم باغ وحش، جلوی قفس شیر وایسادیم. دوستم می‌گه: شیر؟ می‌گم: پَـ نَ پَـ...  
گریه اس باباش مرده ریش گذاشته!!!

رفتم درمونگاه ، منشیه می‌گه : مریض شمايید؟  
گفتم پَـ نَ پَـ من میکروم , اومدم خودمو معرفی کنم!

با دوستم رازِ بقا میدیدیم بهم می‌گه: شیرایِ نَر همشون صورتاشون مو داره!!!  
گفتم : پَـ نَ پَـ فقط اونائی که عضو پایگاه مقاومت بسیج جنگل اینطورین

دوستم پریده تو استخر داد میزنه می‌گه شنا کنم ؟

میگم **پَ نَ پَـ** بزار اهنگ تایتانیک بزارم آروم غرق شو!..

اومده تو اتاق ، قابِ عکسِ رو دیوار و دیده میگه : وای داداشتـــــــــــــــــــــه؟؟؟

میگم: آره

میگه : عکسشـــــــــــــــــــــه؟؟؟

میگم **پَ نَ پَـ** خودشه ، گذاشتمش رو دیوار با دمپایی کوبیدم رو صورتش، چسبیده به

دیوار!!!

داریم بازیه بارسا و رئالو نیگا میکنیم، دوستم پای تلویزیون خوابش برده بود

مسی که گل رو زد همه پریدن تو هوا و خوشحالی کردن

یه دفعه دوستم از خواب پریدو گفت چرا خوشحالین؟ گل شد؟

گفتم **پَ نَ پَـ** ، خرمشهر آزاد شد

سگم رو بردم پیش دامپزشک، منشیش میگه سگتون مریضه؟ میگم **پَ نَ پَـ** خودم هاری گرفتم

سگم گفت آشنا داره منو آورد اینجا معالجه کنه.

دارم سبزی خورد می کنم ... دستم بریده ... میگم مامان چسب داری؟

میگه دستتو بریدی؟ !

**پَ نَ پَـ** می خوام کارم تموم شد دوباره سبزیارو بچسبونم !

به دوستم زنگ زدم میگم ماشینم روشن نمیشه میگه استارت میزنی روشن نمیشه؟

میگم **پَ نَ پَـ** وقتی ازش خواهش میکنم روشن نمیشه

تو صف بربری نوبتم شده یارو میگه بربری میخوای؟

**پَ نَ پَـ** اومدم از شاگردت تایپ یاد بگیرم

کلاغه به روباهه میگه: گفתי آواز بخون که پنیر از دهنم بیافته؟  
 روباهه میگه: پَ نَ پَ می خواستم واسه آکادمی موسیقی گوگوش ازت تست بگیرم

دختره میگه اگه من برم خارج تو با یه دختر دیگه ای دوست میشی؟  
 پَ نَ پَ میرم تو اتاقم خودمو حبس می کنم رو دیوارشم می نویسم: شاید این جمعه بیاید  
 ... شاید

زنگ زدم به دوست دختر دوستم فوت میکنم میگه مزاحمی؟  
 میگم پَ نَ پَ نسل جدید کولرهای ال جی هستم با دو سیم کارت مجزا

شمع های ماشینم سوخته، رفتم تعمیرگاه... میپرسه عوضشون کنم؟  
 پَ نَ پَ فوتشون کن تا صد سال زنده باشی

ازم میپرسه: اگه یه موقعیت بهتری برات جور شه منو ول میکنی؟  
 میگم: پَ نَ پَ لگد به بختم میزنم بات میمونم تا تو یه موقعیت بهتر برات جور شه منو  
 بپیچونی

به دوستم میگم خودکارو بده میگه چیزی میخوای بنویسی؟  
 پَ نَ پَ یه زیر شلواری براش گرفتم میخوام ببینم اندازشه یا نه

سر جلسه امتحان به دختره میگم سواله ۸ چی میشه؟ میگه تقلب میخوای؟  
 میگم: پَ نَ پَ میخوام ببینم سطح علمیت درچه حد با خانواده بیایم خواستگاریت

رفتم سم بخرم واسه سوسک یارو میگه میخواین سریع بمیره؟ میگم : پَه نه پَه میخوام  
شکنجش کنم ازش اعتراف بگیرم!!

رفتم داروخونه، میگم باند دارین؟ میگه باند پانسمن؟ پَه نه پَه باند فرودگاه ! میخوام فرود بیام

میگن کریستف کلمب وقتی رسید به امریکا سرش رو از پنجره کشتی کرد بیرون از یه سرخ  
پوست پرسید داداش اینجا آمریکاست؟ سرخ پوسته گفت پَه نه پَه ژاپنه ما هم چون شلوار  
پامون نیست از خجالت قرمز شدیم

از خونه زنگ زدم فست فود غذا بیارن، طرف میگه بفرستم واستون؟ پَه نه پَه آپلود کن،  
لینکش رو بده، دانلود میکنم

صدای خروپفش کشتمون ! تکونش دادم از خواب پریده، میگه سر صدام اذیت می‌کنه؟ میگم پَه  
نه پَه جنس صداتو دوست دارم می‌خواستم بت بگم سعی کن تو اوج که میری رو تحریرات  
بیشتر کار کنی

برای بار اول رفتم مرکز اهدای خون ... پرستار می‌گه میخواین خون بدین؟ گفتم پَه نه پَه  
پشه‌ایم اومدیم مهمونی ! بعد نیم ساعت نوبتم شده میگه کارت ملی؟ میگم مگه کارت می  
خواد؟! میگه : پَه نه پَه میتونی آزادم بزنی ... لیتری ۷۰۰!

تو ماشین نشسته بودیم چند تا تگرگ خورد به شیشه دوستم پرسید تگرگه؟ گفتم پَه نه پَه  
ابابیلن... رزمایش گذاشتن سلاح های جدیدشون تست کنن



رفتم داروخونه میگم شامپو ویتامینه دارین؟ میگه واسه موهات؟ پَ نه پَ شامپو واسه فرش  
خونمون، ویتامینه شه گل هاش سریع رشد کنن

گفتم قلم را به غزل بسپارم / شاید گره ای باز شود از کارم // پرسید مگر تو هم غزل می گویی؟  
/ گفتم پَ نه پَ فقط رباعی دارم!!!!.....

به مامانم میگم دارم یواش یواش میرم تو سی سال ها!!! میگه چیه زن میخوای؟ میگم پَ نه  
پَ یه داداش کوچولو می خوام روم نمیشه به بابا بگم!!!!.....

یارو بی همه چیز روح الله داداشی رو کشته. گرفتنش. میگه حالا اعدام میکنن؟ میگن پ نه پ  
میری مرحله بعد باید فاطمی رو بکشی!!!

رفتم داروخانه به دکتره میگم اشک چشم میخوام میگه : مصنوعی؟ پَ نه پَ میخوای تو  
واسم گریه کن واقعیشو بده

مرغ رو از فریزر در آوردم ... میگه می خوای غذا درست کنی؟! پ نه پ خانوادش اومدن از  
سردخونه میخوان ببرن خاکش کنن!

عاقده: آیا بنده وکیلیم؟

عروس: پ نه پ متهمی! الان پاتو از عروسی بذاری بیرون، یگان ویژه میریزه خلع سلاحت میکنه!

میگم خانم دکتر فکر کنم نازا هستم میپرسه میخوای حامله بشی؟  
پ نه پ می خوام با تلنبه بادم کنی تو استخر نرم ته آب

نفس نفس زنون خودم رو رسوندم به اتوبوس ... راننده میگه می خوای سوار شی؟!  
پ نه پ اومدم سفر خوشی رو براتون آرزو کنم!

پام درد میکرد لنگون لنگون میرفتم ... دوستم میگه آخی ی ی ی ... پات درد میکنه؟!  
پ نه پ دارم واسه مهمونی فردا رقص مردگان مایکلو تمرین میکنم!

بعد از کلی کلنجار رفتن با شریکم بهش گفتم باید از هم جدا شیم ... میگه یعنی جدّاً از هم جدا  
شیم؟

پ نه پ الکی میگم جدا شیم، تو بگی که نمیتونم!

به مامانم میگم یه چیز بنداز رو بابا خوابه ... میگه پتو خوبه؟  
پ نه پ میز خوبه...

زنگ زدم ۱۱۰ میگم اقا دزد اومده اینجا ... میگه چیزی هم برده؟!  
پ نه پ یه سری خورده ریز واسمون آورده، گفتم زنگ بزنم ببینم اگه اونجاس گوشه‌ی رو بدید  
ازش تشکر کنم!

سمت آزادی دستمو به حالت میدون میچرخونم ... تاکسیه وایساده میگه آزادی؟!  
پ نه پ گفتم وایسی دورت بگردم!

طرف وسیلشو بهم قرض داده، اومده سراغش، خواهرم برداشته می‌گه بدم بش؟  
پ نه پ بدو قایمش کن بگو پیش ما نیست!!

پارتی بودیم ... ملت اون وسط داشتن دستارو تکون میدادن و میرقصیدن ... رفیقم می‌گه دارن  
میرقصن!؟

پ نه پ اینجا گیر افتادن! دارن برای هلیکوپتر امداد دست تکون میدن تا نجاتشون بده!

چهل کیلو بار دستمه می‌گم کمرم شکست بیا بگیر ... می‌گه بار رو؟!  
پ نه پ نه بزرگ منو، غم بی کسیش کمرمو شکسته!

دوستم می‌گه اگه سه نفر بت با چاقو حمله کنن، فرار میکنی؟  
پ نه پ می جنگم، می‌میرم، ذلت نمی‌پذیرم!

رفتیم کوه ... دارم چوب جمع میکنم ... می‌گه می‌خوای با چوبا آتیش درست کنی؟  
پ نه پ پشت دریاها شهریست، قایقی خواهم ساخت...

دوستم می‌گه امروز چنده؟ می‌گم یکم، می‌گه یکم مرداد؟  
پ نه پ امروز یکمه فروردینه ... عیدت مبارک عمو جون یه بوس بده!

مانتوش ۱۵ سانت بالای باسن مبارکشه، آرایششم که شبیه جن و پری شده ... حالا بماند که  
موهاش قرمزه! می‌گه به نظرت برم بیرون گشت ارشاد بهم گیر میده؟!  
پ نه پ می‌برنت صدا و سیما ازتون تقدیر میکنن و ازت می‌پرسن این حجاب برتر رو خودت تنهایی  
اختراع کردی؟

به بابام میگم تلویزیونو بزَن کانال دو ... میگه روشنش کنم؟  
پ نه پ تو بزَن دو ... من هل میدم روشن شه...

دارم به خواهر زادم دیکته میگم ... رسیده آخر خط میگه دایی برم سر خط؟!  
پ نه پ بقیشو رو فرش بنویس!

رفتم پرنده فروشی میگم آقا قناری های نر و مادتون کدومان؟ میگه میخوای بخری؟  
پ نه پ مامور منکراتم اومدم ببینم قفسشون یه وقت مختلط نباشه!

میگم احسان و حامد هم رفتن اونور دارن حال میکنن واسه خودشونا!!! ، میگه خارج؟  
پ نه پ اونور خیابون بیا ما هم بریم حال کنیم!

پایان نامه ام تموم شده ... زنگ زدم به استاد میگه میخوای دفاع کنی؟  
پ نه پ میخوام حمله کنم!!

رفتم به همسایه مون می گم تخم مرغ داری؟ می گه می خوای غذا درست کنی؟  
پ نه پ می خوام بخوابم روشنون تا جوجه بشن بفهمم مادر بودن چه حسی داره؟!!

دوستم زنگ زده میگه چکار میکنی؟ میگم ماشینمو آوردم تعمیرگاه ... میگه مگه خرابه؟  
پ نه پ آوردمش تعمیرگاه عیادت دوستای مریضش!

قرمه سبزی آوردند رو میز می پرسه قرمه سبزیه؟!  
پ نه پ کوکو سبزیه آبشو زیاد کردن کم نیاد!

یارو زنگ زده میگه منزل آقای طاهری؟ میگم نخیر. میگه ||||| اشتباه گرفتم؟  
پ نه پ شما درست گرفتی من اشتباه برداشتم!

رفتم در خونه رفیقم ... از پشت آیفون میگه ... تنهایی؟  
پ نه پ خونه محاصره ست ... بهتره خودتو تسلیم کنی

به داداشم میگم برو عصای آقاجون رو بیار؛ میگه آقاجون میخواد بره  
مگه؟ پَ نَ پَ؛ میخواد به اذن پروردگار عصا رو تبدیل به اژدها کنه!!!!

به دوستم میگم یه ذره حجابتو درست کن ... میگیرن!  
!!!میگه کی؟ پلیس؟ پَ نَ پَ دست اندرکاران شبکه فشن تی وی

تو خیابون مارو دست تو دست باهم دیده ... از این مدلها که مثلاً مُچمونو گرفته ... با یه لحنی  
میپرسه دوست دخترتونه؟

پَ نَ پَ مامان بزرگمه ... پیش پاتون از اتوشویی گرفتمش

سر کلاس دستمو بلند کردم استاد میگه سوال داری ؟

"پَ نَ پَ " های هیتلر

زنگ زدم به استاد، میگه چیه نمره میخوای؟

میگم پَ نَ پَ زنگ زدم ببینم فحش هایی که به خواهر مادرت دادم دلیوری شده یا نه؟

رفتم به همسایه مون می گم تخم مرغ داری؟ می گه می خوای غذا درست کنی؟

پَ نَ پَ می خوام بخوابم روشن تا جوجه بشن بفهمم مادر بودن چه حسی داره

تی شرت « دی اند جی » پوشیدم ...داداشم میگه « دولچه ، گابانا » ست؟

میگم پَ نَ پَ « داوود و غفوره »

علم بهتر است یا ثروت؟ ثروت! پَ نه پَ علم؟

زنگ زدم ۱۱۵، میگه آمبولانس میخواین قربان؟ پَ نه پَ یه پلیس ۱۱۰ میخوام، بقیش هم  
!آدامس بدین

رفتیم بلیته کانادا بگیریم زنه میگه سیاحتیه؟ پَ نه پَ زیارتیه میخوام برم امامزاده سید ریچارد

مهمون اومده خونمون مرغ عشق هامو دیده رو لوستر میگه : مرغ عشقن اینا؟؟؟ گفتم پَ نه  
پَ گونه نادری از میمون های بالدارن که فقط در شمال خونه ما رو لوستر زیست میکنن...

رفتم الکتریکی می گم آقا سه راهی دارین؟ میگه سه راه برق!!!

پَ نه پَ سه راه آذری، درست

نصفه شب یکی از بالا درمون پرید تو حیاط داداشم گفت علی دزده؟

پَ نه پَ "زورو" داره از دست گروهبان گارسیا در میره

پسره اومده خواستگاریم میگم من الان می خوام درس بخونم می گه یعنی چند سال دیگه می  
خوای ازدواج کنی؟

پَ نه پَ ۱۰ دقیقه صبر کنی این صفحه رو بخونم درسم تموم میشه

یارو نشسته کنار خیابون نوک دماغش چسبیده به زمین. دوستم میگه : معتاده؟!

میگم پَ نه پَ میخواد انعطاف بدنشو به رخ بکشه

کارتمو دادم به بلیط فروش مترو میگه شارژش کنم؟

میگم پَ نه پَ میرم از شارژ خورشیدی استفاده می کنم

بچه دایم به دنیا اومده. همه خوشحال و اینا. مامان بزرگم برگشته میگه حالا میخاین براش اسم بذارین؟

پَه نه پَه میخایم همین جوری ولش کنیم اسمش بشه نیو فولدر

دارم با تلفن حرف میزنم. زنم میگه دوستت بود؟

پَه نه پَه سارکوزی بود در مورد مناقشات اخیر خاورمیانه نظرمو می خواست

تو صف بربری نوبتم شده یارو میگه بربری میخوای؟

پَه نه پَه اومدم از شاگردت تایپ یاد بگیرم

با ماشین افتادیم ته دره یارو میگه زنگ بزnm آمبولانس بیاد؟

میگم : پَه نه پَه یه مشکل درون خانوادست خودمون حلش می کنیم

صدای خروپفش کشتمون ! تکونش دادم از خواب پریده، میگه سر صدام اذیتت می کنه؟

میگم پَه نه پَه جنس صداتو دوست دارم می خواستم بت بگم سعی کن تو اوج که میری رو تحریرات بیشتر کار کنی!

تو تاکسی تنها نشستم میخوام کرایه حساب کنم طرف میگه ۱ نفر؟!

میگم پَه نه پَه ۲ نفر حساب کن خورزوخان هم هست



حالا از تاکسی پیدا شدم به راننده نیگا میکنم، میگه باقی پولتو میخوای؟

میگم پَ نه پَ میخوام یه دل سیر نیگات کنم که میری دلتنگت نشم!

داریم راه میریم با دوستانم پام پیچ خورده، خوردم زمین میگه کمک میخوای؟

میگم پَ نه پَ شماها خودتونو نجات بدین من اینجا میمونم مقاومت می‌کنم

تو حیاط دانشگاه تو انگلیس دارم با دوستم فارسی حرف میزنم، یارو اومده میگه خانوم شما ایرانی هستین؟

پَ نه پَ انگلیسی هستیم فارسی یاد گرفتیم بتونیم صادقی گوش بدیم!

تو پارک رفتم دستشویی اومدم بیرون یکی جلومو گرفته! میگم پولیه؟

میگه پَ نه پَ من اینجا نشستم پشه ها نیاں تو حین کار براتون مزاحمت ایجاد کنند

از خونه زنگ زدم فست فود غذا بیارن، طرف میگه بفرستم واستون؟

پَ نه پَ آپلود کن، لینکش رو بده، دانلود میکنم

میگن کریستف کلمب وقتی رسید به امریکا سرش رو از پنجره کشتی کرد بیرون از یه سرخ پوست پرسید داداش اینجا آمریکاست؟

سرخ پوسته گفت پَ نه پَ ژاپنه ما هم چون شلوار پامون نیست از خجالت قرمز شدیم

رفتم داروخونه، میگم باند دارین؟ میگه باند پانسما؟

پَ نه پَ باند فرودگاه ! میخوام فرود بیام!

جلو توالی عمومی... آقاهه میگه ببخشید شما هم تو صف توالی وایساده؟

پَ نه پَ ما سوسکیم اومدیم عید دیدنی

تو رستوران پیشخدمتو صدا کردم. میگم آقا توی سوپ من مگس افتاده! میگه مرده؟

پَ نه پَ هنوز زندست، داره شنا میکنه، صدات کردم بیایی نجاتش بدی!

به دوستم میگم من عاشق این ماشین شاسی بلندام. میگه منظورت پرادو و رونیزو ایناست؟

پَ نه پَ منظورم کامیونو تراکتورو ایناست!

روی نیمکت توی پارک، روزنامه دستمه... اومده میگه... روزنامه میخونی؟

پَ نه پَ سبزی خریدم نمیدونم لای کدوم صفحه گذاشتم

دراز کشیده بودم لب استخر. دوستم میگه آفتاب می گیری؟

پَ نه پَ با خورشید مسابقه گذاشتیم، هر کی دیرتر بخنده بزندس!

رفتم بچه خواهرمو از مهدکودک بیارم. مربیه میگه بچه رو میبریدش؟

پَ نه پَ همینجا میخورمش

دارم کباب درست میکنم رو منقل و سیخای کبابو میگردونم. اومده خودشو لوس کرده با لحن بچه  
گونه میگه کباب درست میکنی؟

پَ نه پَ دارم فوتبال دستی بازی میکنم

جلو عابر بانک تو صف وایسادم یارو می گه ببخشید شمام پول میخاین؟

پَ نه پَ خونه کامپیوتر نداریم میام اینجا فیس بوکم رو چک کنم

رفتم دفتر هواپیمایی میگم عجله دارم میشه پرواز امروز شیراز رو واسم چک کنید؟ میگه اگه جا  
داد بگیرم؟

پَ نه پَ نگیر بذار پر شه من فردام میام چک میکنم با هم بخندیم

سوار تاکسی شدم. یارو صدای ضبطشو تا ته زیاد کرده بود. میگم میشه صدای ضبطتونو کم  
کنید؟ میگه اذیتتون میکنه؟!

پَ نه پَ گفتم کم کنی این یه تیکشو من بخونم ببینی صدای کدوممون بهتره!

رفتم دستشویی عمومی در میزنم میگم یکم سریع تر. میگه شمام دستشویی داری؟

پَه نه پَه اومدم ببینم شما کم و کسری نداری؟!

رفتم دنبال دوستم، زنگ خونه رو زدم میگم منتظرم، میگه بیام پایین؟

میگم پَه نه پَه بیا بالا پشت بوم، با هلیکوپتر اومدم

با دوستم رفته بودیم استخر غریق نجات اومده میگه میخوایین شنا کنین؟

پَه نه پَه اومدیم تو آب حل بشیم به عنوان املاح معدنی مردم استفاده کنن

سوسکه را کشتم جنازشو برداشتم ببرم بندازم بیرون. همسرم بین راه نگاه میکنه میگه  
کشتیش؟

میگم : پَه نه پَه تو دستشویی خوابش برده بود دارم میبرمش تو رختخوابش بخوابه

سر کلاس آیین نامه رانندگی پلیسه یه تابلو را از من پرسیده. میگم عبور دوچرخه ممنوع. میگه  
این دوچرخه است؟

میگم پَه نه پَه تانکه. میگه پَه نه پَه و مرض! هنوز فرق دوچرخه با موتورگازی را نمیدونی؟

دوستم گفت هر وقت نا امید شدی برو کوهستان و داد بزن امیدی هست؟ جواب میاد هست—  
هست هست .....  
.....

من هم رفتم کوهستان و داد زدم امیدی هست؟ جواب او مد پنه نه پنه نه پنه  
نه پنه !!....

ان